

ساختار سیاسی اقتصادی ژاپن

۱- مروری بر تاریخچه سیاسی

مقدمه:

است.

ممکن است این سؤال مطرح شود که علت انتخاب این دو فاکتور چیست؟ علت انتخاب فاکتور نخست این است که ژاپن توسعه اقتصادی خود را با توسعه کشاورزی آغاز کرد. تجربه تاریخی در ژاپن و سایر کشورهای صنعتی مانند انگلستان نشان میدهد که نخست انقلاب کشاورزی در کشورهای مذکور بوقوع پیوسته و بعد انقلاب صنعتی اتفاق افتاده است. توسعه کشاورزی و صدور محصولات آن توانسته ارزش لازم را برای خرید کالاهای سرمایه‌ای در اختیار بخش صنعت قرار دهد، و به توسعه صنعتی کشور کمک کند. ویژگی دوم توسعه ژاپن این است که این کشور از نظر مواد معدنی و انرژی بسیار فقیر است و در این مورد به کشورهای خارجی وابسته است. با اینحال این تجربه‌ای آموزنده است که کمبود منابع معدنی و انرژی مانعی در راه توسعه اقتصادی نمی‌تواند باشد.

کلیات:

ژاپن با $372/708$ کیلومتر مربع وسعت، در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی در شرق آسیا، بصورت مجمع‌الجزایری در شمال غربی اقیانوس کبیر در کنار دریای ژاپن و در نزدیکی سواحل شوروی و کره جنوبی واقع شده است. ژاپن در کمربند زلزله اقیانوس کبیر قرار گرفته و زلزله‌های فراوانی در آن روی میدهد. کوهها و نواحی مرتفع که تعداد زیادی آتشفشان در آنها وجود دارد، قسمت اعظم این کشور را پوشانده‌اند. با اینحال جلگه‌هایی نیز در آن کشور وجود دارند. این کشور دارای بیش از ۳۰۰۰ جزیره می‌باشد که ۴ جزیره بزرگ آن «هنشو»، «هوکایدو»، «شیکوگو» و «اوکیناوا» است.

تحولات اقتصادی ژاپن بدلائل خاصی بطور نسبی بیشتر از سایر کشورها تحت تأثیر وضعیت کلی اقتصاد جهانی از قبیل چگونگی رشد، تورم و بیکاری، حجم مبادلات جهانی و قیمت مواد اولیه بخصوص منابع انرژی است زیرا از یکطرف ژاپن در بلوک اقتصادی غرب قرار گرفته که در نتیجه مستقیماً تحت تأثیر سیاستهای محدودکننده اقتصادی، تجاری، نظامی و همچنین بحران ناشی از رکود اقتصادی کشورهای واقع در این بلوک، بویژه ایالات متحده امریکا قرار میگیرد. از طرف دیگر سیاست سنتی توسعه‌طلبی ژاپن در شکل اقتصادی آن در نیمه دوم قرن بیستم این کشور را شدیداً در قبال تلاشهای پیگیر کشورهای جهان سوم بمنتظر کسب استقلال اقتصادی مخصوصاً در رابطه با صادرات مواد اولیه قرار داده است. با این وجود ژاپن کشوری است آسیائی و از هر جهت صنعتی، که همراه با این مدرنیزاسیون توانسته بعضی جنبه‌های سنتی یا سیستمهای اعتقاداتی- اخلاق و مذهبی خود را نیز حفظ نماید. این کشور از نظر استراتژیهای توسعه اقتصادی و تجاری توانسته نظر کشورهای آسیائی را نیز بخود جلب نماید.

رشد و توسعه اقتصاد سرمایه‌داری ژاپن نه تنها از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ بلکه از دهه اول و دوم قرن حاضر نظر متخصصان مسائل خاور دور را به خود جلب کرده است. بهمین جهت در این گزارش روند توسعه اقتصادی ژاپن در طی دو دهه گذشته مورد بررسی قرار گرفته است. تجارب ژاپن در این زمینه می‌تواند برای سایر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران مفید باشد. در بخشهای بعدی این گزارش به کشاورزی، معدن و انرژی در توسعه اقتصادی ژاپن مورد بررسی قرار گرفته—

شهرهای اصلی این کشور شامل توکیو، ناگويا، یوکوهاما، کیوتو و کیوشومی باشد. جمعیت کل کشور ژاپن در سال ۱۹۸۵ حدود ۱۲۱/۰ میلیون نفر بوده که پیش‌بینی میشود تا سال ۲۰۰۰ به ۱۲۸/۱ میلیون نفر افزایش یابد، که از این تعداد حدود ۳۲/۲ میلیون نفر در شهر توکیو یا به عبارت دیگر ۲۵/۱ درصد کل جمعیت در آن شهر زندگی خواهند کرد. از لحاظ توزیع سنی ۲۴/۳ درصد جمعیت را افراد کمتر از ۱۴ سال، ۶۴/۴ درصد را افراد بین ۱۵ تا ۵۹ سال و ۱۱/۳ درصد جمعیت را نیز افراد بالاتر از ۶۰ سال تشکیل میدهند. متوسط عمر مردان ۷۱/۲ سال و زنان ۷۶/۳ سال است. در ژاپن میزان تولید ۱۵/۴ در هزار و میزان مرگ و میر کودکان نیز ۹/۳ نفر در هر هزار نوزاد می‌باشد. ۹۹/۴ درصد مردم این کشور از نژاد ژاپنی و ۰/۵ درصد از نژاد کره‌ای هستند. دین اکثر مردم بودائی و شین است و تعداد کمی مسیحی هستند. زبان رسمی و رایج، ژاپنی است که با خط مخصوص به خود نوشته میشود. واحد پول ژاپن ین است که در جدول شماره ۱ نرخ برابری آن به دلار نشان داده شده است. حکومت ژاپن مشروطه سلطنتی (امپراطوری) است و قدرت قانونگذاری در اختیار دو مجلس با ۵۱۱ نفر نماینده است. ژاپن در سال ۱۹۵۶ به عضویت سازمان ملل درآمد. فعالیت احزاب در ژاپن آزاد بوده و احزاب مهم عبارتند از: لیبرال دمکرات، سوسیال دمکرات، کومی تو، سوسیالیست، لیبرال جدید و کمونیست. روز ملی آن ۲۹ آوریل است. شانزدهمین انتخابات عمومی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۸۳ در این کشور انجام شد و این مسأله در پی ماجرای رسوائی رشوه‌گیری تانا کا نخست‌وزیر سابق ژاپن از شرکت آمریکائی (لاکهد) و متعاقب آن تحریم پارلمان توسط احزاب مخالف انتخابات این کشور ۶ ماه پیش از موعد مقرر انجام شد و در نتیجه پس از انتخابات احزاب حاکم لیبرال دمکرات‌ها با کسب اکثریت ناچیز در مجلس نمایندگان بار دیگر مأمور تشکیل کابینه شدند. در سال ۱۹۸۶

مجدداً با پیروزی حزب لیبرال دمکرات یاساهیرونا کازونه نخست‌وزیر ژاپن گردید. قانون اساسی موجود در سال ۱۹۴۷ تدوین شد و براساس آخرین تقسیمات کشوری، ژاپن از ۴۳ ناحیه (که هر کدام بوسیله یک فرماندار انتخابی و یک شورای محلی اداره میشوند) ۲ ناحیه شهری، یک ناحیه پایتخت‌نشین تشکیل یافته است. ژاپن علاوه بر سازمان ملل در سازمانهای زیر نیز عضویت دارد:

آداب — اسپاک — سی سی دی — اسکاپ — فائو —
گات — یا آآ — بانک جهانی — ایکائو — آیدا — ایفک —
ایمکو — ایمف — اواسی دی — یونسکو — یوپو — ومو — وهو —
برنامه کلمبو

جدول شماره ۱

ارزش برابری ین و دلار

سال	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵
نرخ برابری	۲۳۷/۵۱=۱	۲۳۷/۵۲=۱	۲۳۸/۵۴=۱
دلار وین	دلار ین	دلار ین	دلار ین

تاریخچه و اوضاع سیاسی ژاپن:

ژاپن از اوایل قرن ۱۷ تا اواسط قرن ۱۹ در یک شرایط به اصطلاح انزوا بسر می‌برد یعنی به مدت حدود ۲۶۰ سال درهای خود را به روی بیگانگان بست و علت آن نیز ترس از توطئه علیه امنیت اقتصادی — سیاسی — فرهنگی کشور و پاشیدن بذر استعمار در جامعه توسط مامیونهای خارجی و اصلاً ترس این رژیم فئودال از عوامل نفوذی بیگانه بوده، سلسله توکوگاوا (۱۸۶۷-۱۶۰۳) به علت همین ترس، حکم اخراج همه

۱ — ناکاسونه در نوامبر ۱۹۸۷ متعاقب انتخاب نوپور و تاکشیتا به عنوان رئیس حزب لیبرال دمکرات (حزب حاکم) از سمت نخست‌وزیری ژاپن برکنار و تاکشیتا به عنوان نخست‌وزیر آن کشور انتخاب گردید، لازم به یادآوری است که تاکشیتا در زمان نخست‌وزیری ناکاسونه سمت وزیر امور مالی دولت را بعهده داشت.

بیگانگان را از ژاپن صادر نمود. لذا در سال ۱۶۱۴ طبق فرمانی همه میسیونهای مسیحی را در ناکازاکی گرد هم آورده و سپس از آنجا به خارج راندند. از آن تاریخ تا سال ۱۸۵۳ که مصادف با شهادت امیرکبیر در ایران است تنها تماس ژاپن با خارج، از طریق یک مؤسسه تجاری هلندی که اجازه تأسیس یک شعبه بازرگانی در جزیره ای دورافتاده در اطراف خلیج ناکازاکی را یافته بود، انجام می‌گرفت.

این انزوای تجاری - سیاسی باعث گردید که در اثر اجرای سیاستهای خودکفائی و حمایتی، رشد طبقه دهقانان مستقل و کشاورزی دهقانی و باروری کشاورزی با همان تکنولوژی سنتی افزایش یافته و صنایع دستی و سنتی ژاپن هم در اثر جلوگیری از ورود فرآورده‌های خارجی نه تنها رشد نماید، بلکه کنترل بازار داخلی نیز در دست تولیدکنندگان داخلی باشد. یعنی از همان دوران، فئودالیسم ژاپن موفق شد که از تسلط نیروهای خارجی بر بازارهای داخلی جلوگیری نماید. عبارت دیگر ژاپن موفق گردید که از نابودی صنایع این کشور در اثر رخنه و تجاوز سرمایه‌داری روبرو به رشد اروپا جلوگیری بعمل آورد. رژیم توکوگاوا تا بدانجا پیش رفت که برای جلوگیری از مسافرت ژاپنیها به خارج و آشنائی با فرهنگ غرب تا اواسط قرن ۱۹، ساختن انواع کشتیهای بادبانی و مسافرتی را در ژاپن ممنوع کرد. این رژیم بتدریج در اثر فشارهای حاصله از داخل نظیر رشد اقتصادی پولی و کالائی، رشد نیروهای مولد، توسعه کشاورزی و فشارهای خارجی نظیر فشار غرب برای باز کردن دروازه‌های ژاپن بر روی سرمایه‌داری غرب تمایل نشان داد.

با این تحولات از اوایل سال ۱۸۶۷ یک دولت جدیدی بنام محاجی روی کار آمد که بعضی آنرا «رستاخیز محاجی» و بعضی هم آنرا «انقلاب از بالا» می‌نامند که بهر صورت رهبران آن همان عوامل دوران فئودالی از قبیل سومورائیهها بودند. بدنبال این تغییرات که بخشی از آن هم نتیجه فشارهای

غریبهها از جمله کشورهای فرانسه، انگلیس و آمریکا بود، ژاپن در مقابل واقعیت خشونت‌بار سیستم اقتصادی - سیاسی جهان آنروز قرار گرفت. بدین معنی که ناظر تجاوز نیروهای استعماری و امپریالیستی اروپائی به مناطق آسیائی گردید که این اتفاقات هر چند تلخ ولی واقعیتی برای رهبران تازه و میهن‌پرست محاجی و مردم ژاپن که علیرغم انزوای طولانی از خط گسترش تجارت بین‌المللی و نفوذ بیگانگان بر صنایع و اقتصاد کشور آگاهی کامل داشتند، هشدار بسیار ارزنده محسوب می‌گردید. این رژیم از ریشه و هدف سرمایه‌داری در اروپا و اصولاً گسترش تجارت بین‌المللی و مکانیزمهای آن آگاهی بسیار واقع‌بینانه‌ای داشت. یعنی می‌دانست که در اواسط قرن ۱۹ گسترش تجارت با بیگانگان که یک طرف کالا تولید می‌کند و طرف دیگر چیزی جز عرضه مواد خام یا ثروتهای طبیعی ندارد به چه مفهومی است. بدین ترتیب ژاپن دوره بیشتر نداشت: یا باید می‌ایستاد که طعمه امپریالیسم اقتصادی غرب و تجاوزات شرق بشود و یا خودش تبدیل به قدرتی نظیر آنها و عضو کلوب آنها گردد. تمام هدفهایی که دولت محاجی طی دو شعار اعلام کرد یعنی کشور ثروتمند و ارتش نیرومند که همچنان پس از یک قرن ملت و دولت ژاپن را به دنبال خود می‌کشاند، از همین جا آغاز گردید.

یکی از میراثهای دوران فئودالیسم و سیاست انزواطلبی و خودکفائی ژاپن تلاش برای تولید کالای محلی یا به اصطلاح ژاپنیها مصرف کالاهای محلی است. لذا برای ژاپن تنها این راه باقی می‌ماند که اگر بخواهد در مقابل تهاجم غرب نه تنها مقاومت کند بلکه اگر بشود جای آن کشورها را نیز بگیرد راهی برایش جز ساختن یک اقتصاد تولیدی به شیوه سرمایه‌داری مرکزی که متکی به خودش باشد فراهم نبود. در ادامه این خط مشی است که دولت، رهبری صنعتی کشور را به عهده می‌گیرد، و بدنبال آن نیز نیروی نظامی به اتکاء رشد صنایع داخلی توسعه می‌یابد سپس به خاطر تأمین بازار و بدست آوردن مواد

خام با توسل به این عنوان: رقابت با امپریالیسم غرب و آزادی ملل آسیا از امپریالیسم سفیدپوستان، تجاوزات نظامی خود به همسایگان را شروع می‌نماید که اولین تهاجم به کشور تایوان در سال ۱۸۹۰ بعد به شبه جزیره کره است و سپس جنگ آن کشور با روسیه آغاز میشود که در اینجا برای اولین بار یک کشور آسیایی کوچک و در حال توسعه بر یک امپراطوری توسعه طلب (روسیه) پیروز می‌گردد. ژاپن، کره را در سال ۱۹۱۰ به زیر سلطه خود درآورد، و حتی زبان آن کشور را عوض کرد. با آغاز انقلاب روسیه، ژاپن هم از جمله کشورهایی بود که نیروهای خود را همراه با دیگر نیروهای اروپائی و آمریکائی برای سرکوبی انقلاب روسیه فرستاد، وقتی که در این مورد موفق نشد به ایالت منچوری چین بعنوان خط اول مبارزه با کمونیسم، حمله و آن کشور را هم به اسارت خود درآورد تا هم از مواد خام آن استفاده کند و هم مازاد نیروی انسانی روستاهای فقیر و عقب مانده ژاپن را بدانجا بفرستد. در آن زمان مواد خام مورد نیاز صنایع و مواد غذایی ژاپن از تایوان و کره تأمین میشد. ژاپن پس از حمله به منچوری از عضویت جامعه ملل اخراج گردید.

همزمان با سلطه بر منچوری دوران رشد سرمایه‌داری انحصاری دولتی ژاپن آغاز گردید عاقبت بدنبال حوادث دهه ۳۰ و مشکلات سرمایه‌داری ژاپن در سال ۱۹۳۷ ژاپن آماده حمله به چین گردید و آن کشور را اشغال نمود. جنگ در اروپا در سال ۱۹۳۹ آغاز و در سال ۱۹۴۰ آمریکا نفت و گاز و بنزین هوائیما را علیه ژاپن تحریم کرد. در سامیر ۱۹۴۱ نیز ژاپن به تلافی آن به بندر پرل هاربر آمریکا حمله کرد. در اوایل جنگ جهانی دوم، جنگ به نفع ژاپن پیش میرفت لکن از سال ۱۹۴۳ جنگ به ضرر ژاپن پیشرفت کرد. در سال ۱۹۴۵ ژاپن رسماً تسلیم نیروهای متفقین به سرکردگی آمریکا گردید.

بدنبال این مسائل و مشکلات، ژاپن سیاست اقتصادی خود را متوجه چهار اصل نمود که عبارتند از:

واردات مواد خام از خارج، تولید کالاهای محلی، مصرف کالاهای محلی و صادرات کالاهای محلی یا ژاپنی.

در تاریخ معاصر ژاپن این سری جنگها یا به عبارت دیگر تجاوزات تا پایان جنگ که در منطقه اقیانوس آرام ادامه یافت (اوت ۱۹۴۵) به نام جنگهای ۱۴ ساله ژاپن معروف گردیده است.

در ژوئیه ۱۹۴۱ با مسدود شدن سرمایه‌های ژاپن در آمریکا، انگلیس، هند و کانادا رابطه اقتصادی ژاپن با عمده‌ترین شرکای سرمایه‌داریش در جهان قطع گردید و از این تاریخ، اقتصاد ژاپن به یک نظام بسته با نظارت شدید و مستقیم دولت تبدیل گردید. در این مرحله تنها هدف از هرگونه سیاست اقتصادی، در اختیار گذاردن حداکثر امکانات در جهت تقویت ماشین جنگی کشور بود. ولی بعلت تداوم جنگ، نیروهای اقتصادی فرسایش پیدا کرد و قدرت تولیدی کشور بشدت کاهش یافت. بطوریکه اصولاً اوضاع اقتصادی ژاپن قبل از تسلیم بلاشرط آن به متفقین از هم فروپاشید. در اینجا دولت ژاپن در شرایطی قرار گرفت که با تسلیم در مقابل نیازهای محافل سرمایه‌داری بزرگ (زای باتسو) و میلیتاریسم بیش از پیش قادر به دخالت در امور اقتصادی زمان جنگ گردید و در این مرحله بود که سرمایه‌داری ژاپن تبدیل به یک سرمایه‌داری انحصاری دولت گردید.

پس از شکست ژاپن در جنگ، متفقین ابتدا ژاپن را وادار به پرداخت غرامتهای جنگی به چین و دیگر کشورهای زیر

۵ - زای باتسورا میتوان اینگونه تعریف کرد: غولهای سرمایه‌داری مالی - صنعتی بخش خصوصی و فامیلی ژاپن که تا سال ۱۹۴۵ بر مؤسسات مالی - صنعتی و حتی ارگانهای سیاسی و نظامی این کشور نفوذ شدید داشتند و در روند تکامل رشد و توسعه سرمایه‌داری ژاپن نقش بسیار اساسی داشتند. اکنون این محافل بصورت مؤسسات بانکی و صنعتی امروز بشکل شرکتهای سهامی با مدیران حرفه‌ای سازمان یافته‌اند که قدیم‌ترین و معروفترین این غولها عبارتند از: میتسوئی سال تأسیس ۱۶۱۵، سومی تومو ۱۶۹۰، میتسوبیشی ۱۸۷۰، یاسودا ۱۸۷۰ و داتی ایچی ۱۸۷۲ میباشند.

افزایش ناگهانی واردات استفاده کنند. اما فرض بر آنست که این مقررات موقتی بوده و با اصول رفتار غیر تبعیض آمیز گات، و با موضوع جبران و یا تلافی زیان صادرکنندگان صدمه دیده مطابقت داشته باشد. در مواردی که محقق گردد که صادرکنندگان به صادرات کالاها کمک مالی نموده و یا آنرا به قیمتی کمتر از قیمت واقعی می فروشند، گات استفاده بنحو موردی و انتخابی از حقوق گمرکی را مجاز میدارد. واردکنندگان در این موارد میتوانند تعرفه‌هایی به میزان مساوی با کمک مالی، و یا به میزان اختلاف بین قیمت‌های صادرکننده در بازار داخلی و بازار خارجی تعرفه برقرار نمایند.

بقیه از صفحه ۵

سلطه از طریق انتقال تأسیسات صنعتی ژاپن و حمل آنها به کشورهای مذکور کردند ولی با آغاز جنگ سرد و جنگ کره کم کم آمریکا بهتر دید ژاپن را بجای تضعیف، تقویت نماید. در قانون اساسی ژاپن که با کمک آمریکا نوشته شده ژاپن را از داشتن ارتش محروم کرده است ولی با آغاز جنگ سرد به رهبری آلن دالس وزیر خارجه وقت آمریکا، ژاپن یک نیروی پلیس ۷۰ هزار نفری تشکیل داد که همان نیروهای ساده پلیسی در حال حاضر از نظر تجهیزات به پنجمین ارتش جهان تبدیل گردیده است.

پس از اقدام به تشکیل این نیروها، ژاپن گامهای مؤثری در این جهت برداشت. بعنوان مثال کشورهای هم پیمان در امضای موافقتنامه صلح سانفرانسیسکو سال ۱۹۵۱ حق طبیعی ژاپن در دفاع قانونی از تمامیت ارضی خود را بطور جداگانه یا با همکاری دیگران و بعلاوه حق عقد موافقتنامه‌های امنیتی مشترک با کشورهای دلخواه را نیز برسمیت شناخت. پس از به رسمیت شناختن این حقوق، قانون مصوب ژوئیه ۱۹۵۲ دایر بر تبدیل نیروهای ذخیره امنیتی به نیروهای دائمی امنیتی و افزایش تعداد آن به ۱۰۰ هزار سرباز صادر گردید. بدین ترتیب حالت نیروهای مسلح و سنتی

چون شرایط اقتصادی بین المللی دیگر همانند سالهای ۱۹۴۰ نیست و کشورها به ابزارهای حمایتی جدید متوسل گردیده‌اند، غالباً دیگر گات برای انجام وظیفه تشویق نظام بازرگانی آزاد کافی بنظر نمی رسد. گات بسیاری از محدودیت‌های سهمیه‌ای تبعیض آمیز و سایر محدودیت‌هایی که طرفهای امضاء کننده این موافقت‌نامه امروزه مشترکاً از آن استفاده می نمایند را صراحتاً غیرمجاز میداند. گات همانند سایر سازمانها، بویژه سازمانهایی که فاقد قدرت اجرایی هستند، فقط به میزانی که اعضای آن اجازه میدهند، میتواند موثر باشد.

سایر کشورها را بدست آورد و نام آن نیز به نیروهای دفاع از خود تغییر پیدا کرد و بخشهای متشکله آن مانند نیروهای مسلح سایر کشورها از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی تشکیل گردید و تجهیزات و ابزارهای نظامی آن نیز بنا بر موافقتنامه کمک نظامی طرفین که در سال ۱۹۵۴ به امضاء رسید از آمریکا تحویل گرفته شد. در سال ۱۹۶۰ بین طرفین موافقتنامه امنیتی متقابل به امضاء رسید که صریحاً به ژاپن سهم بیشتری در تلاشهای نظامی به منظور حفظ امنیت و صلح در خاور دور داده است تا بتواند نقش هم پیمان نیرومند آمریکا در این منطقه مهم از جهان را بعهدده گیرد، و از همان هنگام بودجه نظامی ژاپن سیر بی سابقه صعودی را طی کرد و بطرز فزاینده‌ای افزایش یافت بطوریکه از ۱۷۰ میلیون دلار در سال ۱۹۵۳ به ۷۹۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۸ افزایش یافت. یعنی این رقم سالانه به میزان ۱۷٪ افزایش یافت تا آنکه در اوایل دهه ۸۰ به حدود ۹/۳ میلیارد دلار رسید.

پایان دوره اشغال یعنی سال ۱۹۵۲ معرف بازگشت ژاپن به صحنه بین المللی و از سرگیری فعالیت رسمی این کشور است.